

تاریخ ۱۶
مارتین لینگز

محمد (ص)

بر پایه کهن ترین منابع (اهل سنت)

سعید تهرانی نسب



لینگز، مارٹین، ۱۹۰۹ م. Langs, Martin

محمد (ص) بر پایه کهن ترین منابع / مارٹین لینگز (ابوبکر سراج الدین).

تهران: نسب، سعید، مترجم

۶۳۱ ص، تهران، حکمت ۱۳۸۹ ش / ۱۴۲۱ ق

شابک: 978-964-244-031-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

عنوان اصلی: Muhammad: his life based on the earliest sources, c2006

کتابنامه به صورت زیر نویس.

محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ سال قبل از هجرت - ۱۱ ق.

رده بندی کنگره: ۹۱۳۸۹ ز ۹۱۳۸۹ / ۹۱۳۸۹ BP۲۲/۹/۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳

شماره کتاب شناسی ملی: ۲۴۶۲۳۵۰



مؤسسه انتشارات حکمت

محمد(ص)، بر پایه کهن‌ترین متون

مارتین لینگز / سعید تهرانی نسب

ویراستار: حسین خندق‌آبادی

چاپ اول: ۱۳۹۱ ش/ ۱۴۳۳ ق/ ۱۵۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: انتشارات حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حفظ

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوویحان، شماره ۹۴، کد پستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۲

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

www.hekmat-ins.com

info@hekmat-ins.com

تلفن: ۶۶۴۱۵۸۷۹-۶۶۴۶۱۲۹۲ نمابر: ۶۶۴۰۶۵۰۵

فهرست

۱۱	پیش گفتار
۲۵	۱. خانه خدا
۳۱	۲. زیارت سنگفت
۳۳	۳. قریش جوف
۳۹	۴. جبران زیان
۴۳	۵. نذر فدیه پسر
۴۷	۶. نیاز به یک پسر
۵۳	۷. عام القیل
۵۹	۸. صحرا
۶۵	۹. دو فقدان
۶۹	۱۰. بحیرای راهب
۷۳	۱۱. پیمان جوانمردی
۷۷	۱۲. مسائل مربوط به ازدواج
۸۳	۱۳. اهل بیت
۹۱	۱۴. بازسازی کعبه
۹۵	۱۵. اولین وحی‌ها
۱۰۱	۱۶. عبادت
۱۰۹	۱۷. خانواده‌ات را بیم ده
۱۱۳	۱۸. قریش دست به کار می‌شود
۱۱۹	۱۹. اوس و خزرج
۱۲۳	۲۰. ابو جهل و حمزه
۱۲۷	۲۱. قریش پیشنهاد معامله می‌دهد
۱۳۳	۲۲. رهبران قریش
۱۳۷	۲۳. حیرت و امید
۱۴۳	۲۴. شکاف‌های خانوادگی

۱۵۱	۲۵. هنگام ساعت
۱۵۵	۲۶. سه سؤال
۱۶۱	۲۷. حبشه
۱۶۹	۲۸. عمر
۱۷۳	۲۹. تحریم و انحلال
۱۸۱	۳۰. بهشت و خلود
۱۸۵	۳۱. غم‌الجزن
۱۹۵	۳۲. نور وجه تو
۲۰۱	۳۳. پس از غم‌الجزن
۲۰۵	۳۴. یثرب بدیرا
۲۱۳	۳۵. مهاجرت‌های سیار
۲۱۷	۳۶. توطئه
۲۲۱	۳۷. هجرت
۲۲۹	۳۸. ورود به مدینه
۲۳۳	۳۹. وفاق و شقاق
۲۴۵	۴۰. خانه جدید
۲۵۱	۴۱. آستانه جنگ
۲۵۷	۴۲. قدم نهادن در راه بدر
۲۶۹	۴۳. جنگ بدر
۲۸۱	۴۴. بازگشت شکست‌خورده‌گان
۲۸۵	۴۵. اسیران
۲۹۳	۴۶. بنی قینقاع
۲۹۹	۴۷. وفات‌ها و وصلت‌ها
۳۰۵	۴۸. اهل صفه
۳۱۱	۴۹. جنگ‌های پراکنده
۳۱۵	۵۰. آمادگی برای جنگ
۳۲۳	۵۱. قدم نهادن سوی احد
۳۲۷	۵۲. جنگ احد
۳۴۳	۵۳. انتقام
۳۴۷	۵۴. دفن شهدا
۳۵۳	۵۵. پس از احد
۳۵۹	۵۶. قربانیان انتقام
۳۶۵	۵۷. بنی‌نضیر
۳۷۱	۵۸. صلح و جنگ

۳۸۹	۵۹. خندق
۳۹۷	۶۰. محاصره
۴۱۱	۶۱. بنی قریظه
۴۱۹	۶۲. پس از محاصره
۴۲۳	۶۳. منافقان
۴۲۷	۶۴. گردنیا
۴۳۳	۶۵. دروغ
۴۴۱	۶۶. سرگردانی قریش
۴۴۹	۶۷. پیروزی آشکار
۴۵۷	۶۸. پس از خدیبه
۴۶۷	۶۹. خیبر
۴۸۱	۷۰. که را بیش از همه دوست می‌داری؟
۴۸۷	۷۱. پس از خیبر
۴۹۷	۷۲. عمره و پیامدهای آن
۵۰۷	۷۳. شام
۵۱۷	۷۴. نقض پیمان صلح
۵۲۷	۷۵. فتح مکه
۵۳۹	۷۶. جنگ خُنین و محاصره طائف
۵۴۵	۷۷. آشتی‌ها
۵۵۳	۷۸. پس از فتح
۵۵۹	۷۹. تبوک
۵۶۵	۸۰. پس از تبوک
۵۷۷	۸۱. درجات
۵۸۳	۸۲. آینده
۵۸۷	۸۳. حجة‌الوداع
۵۹۵	۸۴. انتخاب
۶۰۵	۸۵. جانشینی و خاکسپاری
۶۱۵	مرجع‌ها
۶۱۷	نمایه

پیش‌گفتار

از درم‌ها نام شاهان برکنند نام احمد تا ابد برمی‌زنند
نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد نود هم پیش ماست

این کتابی است تجلی از که خواندنش برای بسیاری از خوانندگان یک «حادثه» بوده است و سبب این خاصیت همان حقیقتی است که عنوان این کتاب به صراحت بیان می‌کند. خوانندگان معنی زندگی و مترصدان «نشانه» لاجرم با این سؤال مواجه‌اند: این «بشر» کیست و نیروی مؤیدش چیست؟ کسی که نزدیک ۱۴۲۰ سال پس از وفاتش، در یکی از تاریک‌ترین دوره‌ها، «دور تر فروش و پرفن» حاضر،^۲ نویسنده حقیقت جویی از گوشه‌ای از آن‌سوی کره زمین^۳ آن‌قدر شیفته او می‌شود و آن‌قدر معرفت کسب می‌کند که چنین مجذوبانه و عاشقانه در باب زندگیش به تحقیق و تتبع دست‌زند و حاصل این کار آنقدر شیرین و معطر می‌شود که خود نویسنده را هم، به شهادت ده‌ها تن از همسایگان، دوستان، و شاگردانش، به شیرینی و عطر تبدیل کند. وقتی داستان زندگی آن وجود ذی‌جود با قلم رسا و هنرمند این نویسنده نگاشته شود، جز این هم متوقع نیست.

۱. «هل كنتَ الا بشراً رسولاً؟» (اسراء، ۹۱). اما «بشری» که در عین حال «رشد» است و مطابق اخبار، اگر برای او نبود خداوند افلاک را نمی‌آفرید، و از همه در قبر درباره‌اش سؤال می‌کنند.

۲. که «کاروانش نقد دین را رهن است».

۳. آقای مارتین لینگز در استان لانکاشر در شمال غرب انگلستان متولد شد.

این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۸۳ میلادی منتشر شد و تاکنون دست کم شش بار تجدید چاپ شده، اما نویسنده بر هیچ یک از آنها مقدمه‌ای ننوشته است. ما نیز در ابتدا قصد داشتیم مقدمه یا حتی پانوشتی بر متن کتاب اضافه نکنیم. اکنون نیز، جز ترجمه ساده، اضافات تنها دو گونه‌اند. گونه اول: تصحیح املائی غلط (چاپی انگلیسی) بعضی از اسامی و اسنادهای بعضی از مرجع‌ها (غلط‌های چاپی انگلیسی مانند ابوصبره، ابوهذیفه، اُسَیرم... که صحیح آنها ابوسبره، ابوحدیفه، اُسَیرم... بوده‌اند و در حروفچینی انگلیسی^۱ به راحتی مشتبه می‌شوند)؛ گونه دوم: توضیحاتی که به سبب پرسش‌های خوانندگان خوش نیت و بی‌غرض یا به سبب مهورت صاحب‌دلان باخبر به آنها ملزم شدیم.

نکته لطیف دیگری نیز در همین باره وجود دارد، نکته‌ای که نوشتن پانویس و توضیحات را موجه نمایاند. آقای لینگز خود نیز معتقد بود حتی بسیاری از مسلمانان عصر ما قدر خداوند را به درستی نفهمیده‌اند^۲ و اینکه وقتی (مخصوصاً علی‌رغم تلاش‌های پیگیر بشری) واقعیات ماندگار و مؤثر باقی می‌مانند،^۳ به اراده و مشیت خداوند چنین‌اند^۴ و در پنداری آنها اسراری نهفته است.^۵

۱. یا به عبارت دقیق‌تر transliteration. که در آن مثلاً تفاوت حرف «ص» با «س» تنها یک نقطه است که در زیر S قرار می‌گیرد.

۲. او به کرات آیه «ما قلنوا لله حقّ قدره...» (که در سه سوره انعام، حج، و زمر آمده است) را دلیلی برای این اعتقاد خود ذکر می‌کرد.

۳. ظاهراً در این باب می‌توان به آیه «فاما الزُّبُرُ فَيَذَرُهَا خِثَاءً وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَنَمْكُثُ فِي الْاَرْضِ» (رعد، ۱۷) و نیز به آنجا که می‌فرماید کلمه طَیِّبَه مانند درختی است که ریشه‌اش «ثابت» است... و کلمه خَبِیْثَه مانند درخت خبیثی که ریشه‌اش برکنده شده و پایدار نیست،... (اُجْنُتْ اَصْلُهَا مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ، ابراهیم، ۲۴ و ۲۵) نیز اشاره کرد. لیکن بدیهی است که ابتدا باید معنی دقیق «ثابت ریشه» و «پایدار» روشن شود.

۴. «الْكُلُّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَاِنْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَاَلَكُنْ لِيْلُوكُمْ فِي مَا اَتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (برای هر کدام از شما شریعتی و طریقتی قرار داده‌ایم و اگر خواست خدا بود همه شما را یک امت قرار می‌داد؛ اما (او اراده کرده) نا در آنچه به شما داده بیازمایندتان؛ پس در کارهای نیک از یکدیگر سبقت بگیرید) — مانند، ۴۸. همچنین او تأکید می‌کرد که این آیه جزء آخرین آیاتی بود که بر پیامبر نازل شد و بنابراین نمی‌توان به بهانه «منسوخ» شدنش با آیات دیگر، پیام آن را نادیده گرفت.

۵. نیز در دعای ۴۸ صحیفه سجّادیه: «...اللّهُمَّ اِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لَخُلَفَاؤُكَ وَ اَصْفِيَاؤُكَ وَ مَوَاضِعُ اِمْتَانِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّقِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَرَوْهَا. وَ اَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِلذَّكَ. لَا يَغَالِبُ».

هنگامی که پس از طی طریق طولانی، اما خوشایند، در آخرین روزهای تابستان سال ۲۰۰۴، حدود یک سال پیش از وفات، آن بزرگوار را در خانه فوق‌العاده زیبا و ساده‌اش در استان کنت ملاقات و از او تقاضای «دست‌خط» کردیم، امتناع کرد،^۱ اما در پایان ملاقاتی طولانی گفت که برایمان دعا خواهد کرد و البته غرض ما نیز از ملاقات او همین بود، اینکه برای توفیق ما، مخصوصاً در ترجمه کتابش، دعا کند. خانم آن‌کاترین نیلسن، مترجم سوئدی، اندکی پیش‌تر اجازه ترجمه به زبان سوئدی را از او گرفته بود و به‌کرات برای رفع ابهامات با نویسنده تماس می‌گرفت، اما در عین حال نویسنده او را از هرگونه دخل و تصرف یا حتی اضافه کردن پانویس (غیر از پانویس‌های خود نویسنده) به‌کلی منع کرد. بنابراین، عدم تصریح او به محدودیت‌های فوق در مورد ما، از یک سو، و اعتقادات و احساسات مداوم جامعه شیعی ایرانی، از سوی دیگر، را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم که خداوند از او بی‌و روح او نیز از ما — راضی باشد.

به‌هرحال، وفاداری به متن و امانت‌داری در ترجمه حقیقتاً دغدغه و دل‌مشغولی مداوم ما بوده است — آن هم در کتابی که موضوعش سیره و شیوه کسی است که از پیش از بعثت^۲ تا به امروز از بارزترین صفاتش «امانت‌داری» بوده — و بارها جملاتی را نوشته‌ایم که اگر نویسنده بودیم (نه مترجم)، آنها

سامرک، و لا یجاوزُ المحتوم من تدبیرکَ کیفَ شئتَ و اَنی شئتَ و لما انت اعلمُ به غیرِ مَهمَّ علی خلقک و لا لارادتک حتی عاذَ صَفَوْتُکَ و خَلَفَاؤُکَ مَعْلَمِینَ مَهْمُورِینَ مُبْتَزِّینَ یَروُنَ حُکْمَکَ مُبَدِّلًا و کِتَابَکَ مُنْبِذًا و فَرَانِضَکَ مُخَرِّقًا عَن جِهَاتِ اَشْرَاعِکَ و سَنَنِ نَبِیِّکَ مَتْرُوکَ. اللهم العن اعداءهم من الاولین و الاخرین و من رَضِیَ بفعالهم و اشیاعهم و اتباعهم. اللهم صل علی محمد و آل محمد، انک حمیدٌ مجیدٌ، کصلواتک و برکاتک و تحیاتک علی اصفیائک ابراهیم و آل ابراهیم و عجل الفرج و الروح و النُصرة و التَّمَکِینَ و التَّایِیدَ لهم.

۱. و گرچه به‌صراحت نگفت اما سرشته اشاره کرد که از مسئولیت‌ها و پیامدهای اعطای «دست‌خط» از سوی کسی که از بزرگان یک طریقه عرفانی شمرده می‌شود نگران است. با همه این احوال، محضرش پر از لطف و بسیار دوست‌داشتنی و جذاب بود. غرض ما هم از گرفتن «دست‌خط» کاملاً شخصی و دوستانه بود. بنابراین، حقیقتاً، بدون، حتی ذره‌ای رنجش، احتیاط او را درک و تصدیق کردیم.

۲. حتی نزد کفار و مشرکین به نام «محمد امین» معروف بود.

۳. که هم‌اکنون در مدینه بر ضریح مبارکش نوشته شده «صادق الوعد الامین».

۴. بیشتر منابع نویسنده از منابع «اهل سنت» به‌شمار می‌روند، بنابراین گاه در آنها سخنانی درباره بعضی از صحابه، به‌خصوص سه خلیفه نخست، آمده است که بیشتر به دلیل نظر —

را به گونه ای دیگر می نوشتیم.^۱ در عین حال یادآور می شویم که نه سعی در صداقت و وفادار ماندن به متن و نه ترویج نام مبارک و سیره رسول خدا، هیچ یک نیازمند معذرت خواهی نیست! بلکه برعکس، عذرخواهی ما به درگاه خداوند و از خوانندگان همزبان خود به خاطر قصوری است که احیاناً در این کارها سر زده است و به این سبب انتظار و التماس دعای خیر داریم. همچنین حتماً خواننده محترم توجه دارد که مطمئناً نه این اثر آقای لینگز خالی از نقص و خطا بوده است و نه خواننده را از ادامه سیر و طلب بی نیاز می گرداند، لیکن نقطه شریعی عالی با تأثیر ماندگار است.

در واقع آشنایی مترجم با این کتاب به بیست سال پیش بازمی گردد؛ فصل نخست آن حدود سی و سه سال پیش و بقیه فصول آن، در مقاطع زمانی و مکانی گوناگون، به تدریج ترجمه شد. فضای کتاب به گونه ای است که گویی نوشته های آن از عربی به انگلیسی سفر کرده و به فارسی برگشته اند و این امر کتاب را به نوعی نسبت به متن هایی که در سفری کوتاه تر مستقیماً از عربی به فارسی آمده اند غنی تر ساخته است.

ارائه شرحی وافی در معرفی شخصیت و آرا و آثار این نویسنده خستگی ناپذیر (که تا نود و هفتمین سال زندگی، یک ماه قبل از وفاتش، می نوشت و تا دو روز قبل از آن درخت می نشاند) در این مقدمه برای ما

— مساعد اهل سنت به طور عموم نسبت به صحابه است: اما شیعه درباره آنها با در نظر گرفتن اعمالی که به خصوص پس از وفات پیامبر بر سر جانشینی ایشان از آن ظاهر شد قضاوت می کند و بنابراین از نقل روایت ها و ماجراهایی که در ستایش آنها باشد دوری می گیرد. از این رو خواننده همواره باید در ذهن داشته باشد که قضاوت نهایی درباره این افراد را با در نظر گرفتن کلیت اعمال آنها انجام دهد و توجه داشته باشد که این کتاب تنها بخشی از تاریخ اسلام را، تا زمان وفات پیامبر، دربر می گیرد و سخی از وقایع سرنوشت ساز بعدی به میان نمی آورد — ن.

۱. البته این پرهیز از تحریف و مقاومت — با نیت امانتداری — در برابر وسوسه تغییر «اصلاحی» و تحمل تلخی قید و بندی — هزینه های اجتناب ناپذیر روش حقیقت جویانه هستند. ثمرات شیرین خود را در زمان معین ارائه می کنند و مسلماً نه تنها باورهای حقه «شیعی علوی» را متزلزل نمی کنند، بلکه آنها را محکم تر می کنند. این اصل همیشه صادق بوده و هست: سکه زر اصل هیچ گاه از بحث و جست و جو درباره اصالت و مقایسه شدن با سکه قلب هراسی ندارد. زیرا هر چه این کار بیشتر ادامه یابد به نفع اوست. نتیجه ایمان قطعاً حق جویی و شجاعت است و شک در حقانیت وعده خداوند و حسن عاقبت پرهیزکاران از شیطان.

مقدور نیست؛ تنها می‌کوشیم طرح مختصری از تاریخچه زندگی پربارش ترسیم کنیم.

آقای مارتین لینگز در سال ۱۹۳۲ میلادی، در سن ۲۳ سالگی، از کالج مدلین دانشگاه آکسفورد درجه کارشناسی و در سال ۱۹۳۷ از همان دانشگاه درجه کارشناسی ارشد در رشته ادبیات انگلیسی اخذ کرد. مدتی در لهستان تدریس کرد و سپس، تا سال ۱۹۳۹، در لیتوانی استاد «انگلیسی انگلوسکون و دوره میانی» بود. در سال ۱۹۴۰ به مصر رفت و تا سال ۱۹۵۱ در دانشگاه قاهره مشغول به کار بود. در سال ۱۹۴۴ با خانم لزی اسمالی^۱ (که وی را از زمانی که خود هشت ساله و او چهار ساله بود می‌شناخت) ازدواج کرد که تا پایان عمرش (۱۲ ماه می ۲۰۰۵) همسر و همسفر او باقی ماند.

در سال ۱۹۳۵ به نوشته‌های رنه گنون^۲ برخورد. خلاصه پیام گنون برای لینگز این بود: همه ادیان بزرگ جهان حقیقی‌اند و هرکدام از آنها توانایی نشان دادن راهی را که به «کمال اصل و ازل و ملاقات خدا» بینجامد دارد. همچنین نوشته‌های گنون به لینگز می‌گفت که در دوران جدید دین (مخصوصاً مسیحیت) عقل انسان‌ها را به حال خود رها کرده و تنها احساسات آنها را تغذیه می‌کند و فاجعه مدرنیسم پیامد بلافصل این امر است.^۳ در آن زمان لینگز هنوز رسماً به دین مسیحیت (مذهب پروتستان کلیسای انگلیس) بود. لینگز می‌گفت: «کشف گنون مثل برق مرا گرفت؛ می‌دانستم که رو در روی حقیقت نشسته‌ام... و اینکه باید کاری انجام می‌دادم».

گنون سردبیر مجله فرانسوی زبان *Études Traditionnelles* (مطالعات سنتی) نیز بود؛ در بین کسانی که در آن مجله می‌نوشتند تنها فریئوف شوان^۴ آلمانی بود که با نوشته‌هایش لینگز را مجذوب خود ساخت.^۵ کمتر از یک سال بعد،

۱. Leslie Smalley

۲. René Guénon (1886-1951).

۳. عامل دیگری که او ذکر کرده بود روی آوردن «ذهن‌های کوچک» و روح‌های زمخت به این گونه مطالعات بود که هم از عامل اول نشأت می‌گرفت و هم خود سبب تشدید آن می‌شد.

۴. Frithjof Schuon (1907-1998).

۵. صاحب‌نظران گنون را بنیان‌گذار یا، به عبارت دقیق‌تر، احیاکننده مکتب *sophia perennis* یا «حکمت خالده» (جلاویدان خرد) در دوران معاصر دانسته‌اند و معتقدند این مکتب با آثار شوان (که پس از مسلمان شدن، شیخ عیسی نورالدین نام گرفت) به اوج بلوغ خود رسید. آقای لینگز، به-

در ژانویه ۱۹۳۸، لینگز که خبردار شده بود شوان در سوئیس به سر می برد، موفق شد او را ملاقات کند. قبل از ملاقات با شوان، وی از طریق تیتوس بورکارت^۱ به لینگز خبر داده بود که اگر بخواهد به «طریقه» آنها پیوندد باید مسلمان شود^۲ و هرچند این برای لینگز بهت آور بود، اما بی هیچ تردید آن را پذیرفت. از آن روز تا به آخر شوان پیر و مراد او باقی ماند.

در مصر، همزمان با تدریس در دانشگاه قاهره، برای کامل کردن زبان عربی خود می کوشید و در عین حال به عنوان دست یار شیخ «عبدالواحد یحیی»^۳ انجام وظیفه می کرد. در همین دوران بود که اولین کتاب خود، کتاب یقین دین، بنیاد و معرفت در عقاید عربی، ابتدا به زبان عربی و بعدها ترجمه آن به زبان انگلیسی - را به نام اسلامی اش «الریک سراج الدین» منتشر کرد. عمق تفکر، احاطه عالمانه و شیوه فوق العاده او در نگارش زبان انگلیسی، که به شعر متمایل می شود، برای اولین بار در این کتاب آشکار شد. اما پس از درگذشت گنون در سال ۱۹۵۱ و نیز اغتشاشاتی که به انقلاب مصر و روی کار آمدن جمال عبدالناصر (و قتل سه استاد انگلیسی و اخراج بقیه آنها از دانشگاه قاهره) منجر شد، لینگز و همسرش (که او نیز مسلمان شده و ربیعه نام گرفته بود) به لندن بازگشتند. در آنجا او دوباره به تحصیل پرداخت و پس از مدتی به اخذ درجه کارشناسی - این بار در رشته زبان عربی - از دانشگاه لندن نایل شد. به استخدام موزه بریتانی درآمد و همزمان تز دکترایش را درباره شیخ احمد علی عارف الجزایری، نوشت. این مطالعه بعداً در کتابی با عنوان یکی از اولیای خداوند در قرن بیستم

۱. همراه پروفیسور سیدحسین نصر (که شیعه در اسلام علامه طباطبایی به کوشش و با مقدمه او به زبان انگلیسی به چاپ رسید و صاحب پنجاه جلد کتاب ارزشمند به زبان انگلیسی و جداگانه مقاله و اثر دیگر است) اصلی ترین شارحان و تدویم بخشندگان این مکتب به شمار می روند.

۲. Titus Burkhardt (1908-1984).

۳. این روایتی است که بسیاری از متون روزنامه ها و اینترنت درباره زندگی و آثار لینگز به آن اشاره نکرده اند و مترجم حضوراً در اواخر تابستان ۲۰۰۴ میلادی آن را از زبان آقای لینگز شنید. لینگز بهت آور بودن شرط شوان را هم به این سبب می دانست که معتقد بود توسل های مداومش به حضرت مریم (ع) او را به گنون و شوان راهنمایی کرده بودند و حال آنکه گنون خود گفته بود که «همه ادیان سستی (اصلی و آسمانی) قابلیت رساندن پیروانشان را به حق متعال دارند. اما (باز به گفته خود آقای لینگز) همان ایمان خلی ناپذیر به عنایات حضرت مریم تردید را از او می زدود.

۳. نام گنون پس از مسلمان شدن.

منتشر و به همه زبان‌های اصلی دنیا - از جمله فارسی - ترجمه شد و تحسین مشاهیر اهل فن را برانگیخت.^۱ اندکی بعد، کتاب *اعتقادات کهن و خرافه‌های مدرن* را در نقد دنیای مدرن به رشته تحریر درآورد. همچنین دسترسی او به نسخ کمیاب و اصیل شرقی در موزه و کتابخانه ملی بریتانیا باعث شد که بتواند کتاب اسنادانه و زیبایی بعدی خود را با عنوان *هنر قرآنی خطاطی و تذهیب* منتشر کند. تقریباً مقارن همین زمان بود که ثمره مطالعات وسیع خود را در کتابی بسیار وزین و عمیق با عنوان *تصوف چیست؟* منتشر کرد.

کتاب بلدی که نگارنده مطالعات مربوط به آن را سال‌ها قبل - و گویا نه به نیت انتشار^۲ - آغاز کرده بود و در میان تمامی آثار بدیعش به عنوان شاهکار او شناخته شده، کتاب حاضر است. این کتاب، که هم ذوقی، هنری و زیباست و هم مستند، مستدل و فنی، تاکنون به زبان‌های فرانسه، ایتالیایی، اسپانیایی، ترکی، آلمانی، مالی، عربی، اردو، سوئدی و چند زبان دیگر ترجمه شده و در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۹۰ در پاکستان و در مصر برنده ارزنده‌ترین جوایز شد. مرورها و نقدهای فراوانی بر آن نوشته‌اند که دقیق‌ترین و مفصل‌ترین آنها نقد آقای حمزه یوسف^۳ است (که در پاورقی‌ها مکرر به آن ارجاع داده‌ایم). طیف وسیعی از ناقدان و ناظران این گونه آثار در توصیف این کتاب، که تاکنون دست‌کم پنج بار تجدید چاپ شده، از کلمات «عالی»، «زبان فاخر»، «مهیج»، «جذاب»، «مبهوت‌کننده»، «باشکوه»، «روشنگر»، «باعظمت» و ... استفاده

۱. مثلاً مشهور است که پروفیسور آربری، استاد شهیر کمبریج، درباره آن گفته: «... در میان تفاسیر فلسفه بحث‌انگیز ابن عربی، کتابی شفاف‌تر و قانع‌کننده‌تر از این نمی‌شناسم». این کتاب به قلم آقای نصرالله پورجوادی با عنوان *عارفی از الجزایر به فارسی ترجمه شده است*.
 ۲. چنان‌که شفاهاً به یکی از دوستان گفته بود.

۳. جوان مستعد آمریکایی (Mark Hanson) متولد واشنگتن که در سال ۱۹۷۷ مسلمان شد و سال‌ها، ابتدا در موریتانی و سپس در دیگر مکان‌ها، به تحصیل علوم و اخلاق اسلامی پرداخت. اخیراً «انستیتو زیئونه» را بنیان نهاده و اداره می‌کند و صاحب نوشته‌ها و خطابه‌های فراوان است. به عقیده وی بسیاری از کسانی که - مخصوصاً در دوران ما - می‌خواهند درباره سیره پیامبر دست به قلم ببرند باید نخست ابتدایی‌ترین حقوق و فضایل پیامبر را (چنان‌که مثلاً قاضی ابو محمد قشیری مالکی شرح داده) بفهمند، و الا دچار خطاهایی که امروزه رایج‌اند می‌شوند.

کرده‌اند.^۱ همچنین، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن مبراً بودن از نقیصه «تجدد زدگی» و احساس حقارت در برابر علوم مدرن است که بسیاری از «نادیدگان» مبتدی به سبب این نقیصه بخش‌هایی از سیره (بالأخص معجزات حضرت رسول) را که با عقل جزئی‌شان مغایر است «سانسور» یا دست‌کم با لحنی عذرخواهانه تأویل می‌کردند.^۲

مارتین لینگز - یا به قول مسلمانان اهل عرفان الجزایری، «سیدی ابوبکر سراج‌الدین» - شاعری بالفطره بود و تمامی اشعار عربی موجود در کتب سیره را خود به اشعار (منظوم) انگلیسی ترجمه کرده بود. همچنین بسیاری از متون حدیث و سیره نقل شده در کتاب را او برای اولین بار به زبان انگلیسی وارد کرد. اندکی پس از انتشار این شاهکار، در سال ۱۹۸۴ میلادی، کتاب سر شکسپیر و سه سال بعد کتاب مجموعه اشعار از او منتشر شد؛ در سال ۱۹۸۹ ساعت یازدهم بحران معنای دنیای مدرن از دیدگاه سنت و احادیث نبوی و سپس کتاب بسیار مهم و پراستایل رمز و الگوهای نخستین: جستاری در معنای وجود (۱۹۹۱)؛ هنر قدسی شکسپیر (۱۹۹۸) و به دنبال آنها چهار کتاب دیگر تا زمان وفاتش در سال ۲۰۰۵ منتشر شدند. کتاب بازگشت به روح: پرسش‌ها و پاسخ‌ها،^۳ تقریباً همزمان با وفاتش، و سه اثر دیگر پس از وفاتش منتشر شدند. عده زیادی از صاحب‌نظران خود این مرد حقیقتاً روحانی را نیز از اولیای قرن بیستم و بیست و یکم دانسته‌اند. بعضی متفکران او را استاد بزرگ متافیزیک و عده‌ای از اهل فن او را شاعری درجه یک^۴ نامیده‌اند. اما برای شاگردانی که به او نزدیک‌تر بوده‌اند نام این مرد، بیش از همه، یادآور دو چیز است: زیبایی و

۱. به عهده گرفتن کار ترجمه چنین اثری البته خالی از جسارت نیست و باز باید از خواننده عزیز تقاضای سخاوت معنوی و دعای خیر کنیم.

۲. بی‌توجه به هشدار مولوی که گفت:

کرده‌ای تأویل حرف بکر را - خویش را تأویل کن، نی ذکر را!

۳. مقدمه این کتاب به قلم پرنس چارلز، پسر ملکه انگلستان، است که تحت تأثیر روزافزون نوشته‌ها و شخصیت لینگز قرار گرفته بود.

۴. مثلاً C.S. Lewis که در اواخر دهه ۱۹۲۰ در آکسفورد استاد وی بود و بعدها در سلک دوستدارانش درآمد.

ذکر خدا. عشق او به زیبایی و به گل سبب شده بود تا در حیاط خانه‌اش، در وسترهام کنت، بهشت کوچکی از گل و گیاه به وجود آورد که پس از وفات نیز پیکرش را در همان بهشت کوچک به خاک سپردند.

پروست و امداری‌های مترجم طویل‌تر از آن است که در اینجا بگنجد و ذکر نام همه کسانی که در دوره طولانی و پر پیچ و خم ترجمه این کتاب هر یک به گونه‌ای مترجم را یاری کردند به دلایل مختلف مقدور نیست، اما مسلماً نام و اجر همه آنها نزد خداوند محفوظ است: نخستین کسی که شیرینی وصف‌ناپذیر و عشق به داستان‌های زندگی پیامبر را به من چشاند و در دلم نشاناند مادر مرحومه‌ام بود.

قدردانی و ذکر نام‌های شریف همسرم، مینا آقایی مهر، و دوستان مشفق و باوفا، ساناز لطفیانی، محسن عباسی، محمود گودرزی، علی‌رضا توکلی، محمد حقگو، و سپاسگزاری از کوشش‌های بی‌دریغ آقای اصلان قودجانی و آقای حسن فتاحی، که همگی با دست و زبان و دل و ذهن و قلم و قدم‌های خود به یاری برخاستند، نه تنها انجام یک وظیفه، بلکه یادآور خاطرات شیرین و شادی‌آفرین است.

سپاس‌های ویژه و طلب جزای خیر مترجم برای مریم سیاحتگر است که حقیقتاً تنها خداوند لطیف قدرش را می‌داند و می‌تواند تلاش‌های او را جزای خیر دهد؛ نیز برای شاعر فاضل، جوان هنرمند فرهیخته و نکته‌بین، وحید کوه‌زاد، که در بسیاری موارد، و مخصوصاً در فصل ۷۸، از توانایی‌های خدادادی‌اش برای ترجمه اشعار کعب بن زهیر در مدح پیامبر بهره بردیم. همچنین در تمامی طول این مدت از معاضدت‌های پیوسته جناب سید اسماعیل جلیلیان و کرامت‌های جناب استاد کریم زمانی بهره‌مند بوده‌ایم. جزاهم الله خیراً اجمعین.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سعید تهرانی‌نسب

رمضان المبارک ۱۴۳۱ هجری قمری (شهریورماه ۱۳۸۹)